

متن پیاده سازی شده جلسه چهل و هفتم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 4 دی 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم: و ما ارسلنا من قبلك الا رجالا نوحى اليهم فاستلوا اهل الذكر ان كنتم لا تعلمون بالبينات و الزبر ...
یکی از آیاتی که مورد بحث ما بود این آیه است؛ قرآن مطرح می کند که ما رجالی را قبل از تو فرستادیم و به آنها وحی می کردیم و اگر کسی شک و شبهه دارد از این ها بپرسد؛ و اهل ذکر را به علمای یهود و نصاری تفسیر کرده اند.
در روایات ما فرموده اند که ما معصومین اهل ذکر هستیم و باید مردم سوالاتشان را از ما بپرسند. از این آیه برداشت فطری و عقلی شده است و آن رجوع به کارشناس و اهل خبره است.
در وجه دلالت آیه گفته شده است که معقول نیست که خداوند سوال پرسیدن را واجب کند اما گوش کردن به جواب را واجب نکند.

جلسه قبل عرض شد که آیه نفر خوشبختانه روایاتی دارد که هرگونه ابهام را از او بر می دارد و چهار روایت که عمدتاً سند خوبی داشتند را مطرح کردیم؛ سوال: به نظر شما آیا می شود بین روایات و سیاق آیه جمع کرد؛ اگر آیات با روایات قابل جمع نباشند کدامیک مقدم می شود؛ آیا بین شان نزول های که مطرح شده با روایات تناسب دارند؟
آیا می شود جامعی درست کرد که شان نزول ها، سیاق آیه، و روایات را شامل شود؛ مثلاً یک جامعی برای نفر درست کنیم که شامل میدان جهاد و مراکز علمی بشود همچنین تفقه در میدان جهاد، به دیدن معجزات و امدادهای غیبی و تفقه در میدان علم، به رفتن به مراکز علمی و... همچنین انذار را در میدان جهاد به بیان معجزات و کرامات و در معارف به انذار مردم و ... و حذر هم در میدان جنگ به خشوع و خضوع بعد امدادهای غیبی و در میدان علم به اندرزهای علما و.. تفسیر کنیم. در این صورت سیاق آیه، روایات، و شان نزول ها تطبیق خواهد کرد.

یا جامع درست نکنیم بلکه از باب استعمال لفظ در بیش از یک معنا همه موارد را داخل در آیه بدانیم (ما هم استعمال لفظ در اکثر از یک معنا را قبول داریم) .

نکته: آیات قرآن عموماً یک ظاهر دارد یک بطن دارد و یک اشارات؛ معمولاً قرآن وقتی ظاهر را می گوید برای معانی بطنی هم اشاره ای می کند به طور مثال وقتی قرآن می گوید ان عدة الشهور عند الله دوازده ماه است سپس می گوید به این ماهها ظلم نکنید؛ معنای اولیه آیه این است که ماهها در نزد خدا دوازده ماه است و ماههای حرام را با غیر آن جا به جا نکنید اما بلافاصله از ظلم به ماهها سخن به میان می آورد که این خود اشاره ای به بطن آیه است.

استاد: من معتقدم که سیاق بیشتر برای ظهورات است؛ آیه نفر را ما جز بطون قرآن نمی دانیم نهایتاً این آیه از اشارات قرآن است. آنچه روشن است این است که ما از معصوم سند داریم که آیه چنین مفهومی دارد و لذا به نظر می رسد استفاده موافقان خبر واحد به این آیه موجه است. البته نکته ای که در این آیه است این است که آیه یک تاسیس می کند و آن تاسیس یک نهاد علمی مثل حوزه است اما اینکه طلبه ها برگشتند چه کنند و... نیاز به بیان دارد و از اطلاق آیه این ها را نمی شود برداشت کرد. یعنی کیفیت نفر را نمی شود از آیه برداشت کرد مواردی مثل نوع تبلیغ، وجوب پذیرش خبر و... از آیه استفاده نمی شود و لذا آیه نسبت به حجیت خبر واحد ساکت است .

در مورد آیه اهل ذکر هم به نظر می رسد علم مراد است یعنی سوال کنید تا عالم شوید لذا ربطی به حجیت خبر واحد ندارد. همچنین از سایر آیات قرآن نیز نمی توان حجیت خبر واحد را استفاده کرد.

و الحمد لله رب العالمين